

جنسیت و ازدواج در سه عصر تحول تاریخی، درآمدی بر نظریه عشق رومانیک هلن فیشر

دکتر عباس بخشی پور

دانشگاه تبریز-گروه روانشناسی

چکیده: هلن فیشر انسان شناس که روی تفاوت های جنسیتی و تکامل هیجانان انسانی مطالعه می کند، معتقد است دو گرایش اجتماعی ژرف در جهان کنونی بر الگوی عشق ورزی و ازدواج تأثیر ژرفی خواهد گذاشت. اولین گرایش، بازگشت زنان به بازار کار به عنوان نیروی کار است. این گرایش انسانها را به سمت برابرخواهی روابط بین دو جنس حرکت می دهد. بر مبنای این گرایش، زنان جنسیت خود را بیشتر بیان و ابراز می کنند. یعنی، زن ها شروع کرده اند زودتر رابطه جنسی برقرار کنند. همخواب ها و شرکای جنسی بیشتری برمی گزینند. کمتر بابت همخواب شدن های خود با مردان، ابراز پشیمانی می کنند، دیرتر ازدواج می کنند، بچه های کمتری دارند، برای به دست آوردن ازدواج های خوب، ازدواج های بد را به راحتی پایان می دهند. این شکل از ابراز جنسی بیانگر چیزی است که «ازدواج متقارن» یا «ازدواج خالص» و یا «ازدواج اشتراکی» خوانده می شود. شاهد افزایش عشق رمانتیک هستیم. ازدواج های از پیش تعیین شده، در زندگی آدمی در حال محو شدن است. دومین گرایش، مسن تر شدن جمعیت جهان است. هم اکنون دوره میانسالی یک افزایش واقعی داشته است. مجموع این دو گرایش منجر به شکل گیری الگوی «عشق آهسته» شده است. مطابق این الگو، افراد مجرد، تجربه ی یک شب همخوابگی را دارند، قبل از ازدواج برای مدت طولانی با کسی زندگی می کنند، مجردهایی که مدت طولانی با کسی زندگی می کنند و هنوز ازدواج نکردند، از طلاق / جدایی و پیامدهای اجتماعی، قانونی، عاطفی، و اقتصادی طلاق/ جدایی می ترسند. مجردهای امروزی می خواهند قبل از ازدواج، هر چیز جزئی را درباره شریک زندگی خود بدانند. در شرایط و سنی که گزینه های زیادی برای انتخاب، ترس ناپیزی از بارداری و بیماری است و افراد از رابطه جنسی قبل از ازدواج اصلاً شرمگین نمی شوند، زمان و وقت بیشتری را برای عشق رمانتیک سپری می کنند. پدیده ای که در واقع به تدریج در شرف وقوع است، گسترش واقعی مرحله پیش از ازدواج است. نتیجه اینکه قبل از این، ازدواج شروع یک رابطه بود در حال حاضر، فرجام رابطه است.